

## واکاوی دیدگاه سید مرتضی پیرامون وجوه اعجاز قرآن با تکیه بر نظریه صرفه

رضا بنی اسدی<sup>۱</sup>

طاهره صادقی<sup>۲</sup>

### چکیده

سید مرتضی وجه اعجاز قرآن کریم را صرفه می‌داند. با نگاهی اجمالی به سیر تطورات تاریخی نظریه «صرفه» متوجه می‌شویم برخی با مخالفت با او، بر این باورند که قبول صرفه، نفی سایر امتیازات قرآن را در پی خواهد داشت. صرفه از دیدگاه او به معنای سلب علوم لازم برای آفریدن کلامی مثل قرآن است. می‌توان این تفسیر سید مرتضی را «صرفه علم» نامگذاری کرد. این تفسیر از صرفه هیچ گونه تضادی با سایر امتیازات قرآن ندارد. همچنین با در نظر گرفتن ابدیت پیام تحدی، صرفه در همه زمان‌ها قابل اثبات خواهد بود. سید مرتضی ضمن اعتقاد به عدم تناقض و اختلاف در قرآن و وجود اخبار غیبی در آن، قائل به تحدی و اعجاز قرآن در این وجوه نیست؛ زیرا از نظر ایشان گستردگی تحدی همه آیات قرآن را شامل می‌شود، این در حالی است که برخی از آیات قرآن کریم عاری از اخبار غیبی است و در روایات پیامبر اکرم ص نیز جملات بدون تناقض و اختلاف وجود دارد، حال آن که وحی نیستند.

**کلید واژه‌ها:** اعجاز قرآن، تحدی، سید مرتضی، صرفه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران fatemi251@gmail.com

۲. طلبه سطح ۴ حوزه علمیه خواهران ریحانه النبی تهران رشته تفسیر تطبیقی - مدرس حوزه و دانشگاه

Azmts48@yahoo.com

۱- مقدمه

معجزه بودن قرآن سخنی است که همه متکلمان مسلمان بر آن اتفاق نظر دارند و هر کدام وجوهی را برای اعجاز قرآن برشمرده‌اند. وجوهی مانند اخبار غیبی، اعجاز علمی، معارف غنی قرآن و غیره که غالب متکلمین بر این وجوه اتفاق نظر دارند. یکی از صاحب نظران در این باره مرحوم سید مرتضی از علمای بزرگ شیعه در سده چهارم و پنجم هجری قمری لست. او که شاگرد شیخ مفید و استاد شیخ طوسی است در باب اعجاز قرآن قائل به نظریه «صرفه» شده است.

ضرورت بحث درباره این نظریه، نخست از این جهت است که به نظر می‌رسد این نظریه درست تبیین نشده و در نتیجه مهجور مانده است در حالی که برای رد یا اثبات آن فهم کامل آن لازم است. جهت دوم ضرورت بحث، این است که اگر این نظر صحیح باشد قوی‌ترین وجه اعجاز قرآن است حتی اگر قائل به سایر وجوه اعجاز باشیم و آن‌ها را رد نکنیم اگر چه سید مرتضی آن‌ها را رد کرده است.

برای ورود به این پژوهش لازم است جهت شناخت مفاهیم و اصطلاحات اساسی این بحث یعنی معجزه، تحدی، و صرفه اشاره‌ای به آن‌ها شود. معجزه از ریشه «عجز»، (ضد «حزم» = به معنای محکم بستن طناب) به معنای ضعف و ناتوانی است. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۱۵). برخی لغت شناسان معجزه را به معنای بُن و پایان شی نیز گرفته‌اند. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۳۲) معجزه در اصطلاح به معنای امر خارق العاده‌ای است که به صورت فعل یا ترک از سوی مدعی نبوت بدون وجود معارض صورت می‌گیرد (تهانوی، ۱۹۹۶، ج ۲، ص ۱۵۷۵) با توجه به معنای لغوی «اعجاز» (ناتوان ساختن)، قرآن کریم در توصیف خود از این عبارت استفاده نکرده؛ زیرا هدف اصلی قرآن ناتوان سازی مخاطبین نیست، بلکه به عنوان کتاب هدایت و نور، معارف وحیانی خود را صرفاً در جهت سعادت و هدایت جامعه بشری و دلیلی بر صدق ادعای نبوت پیامبر نازل فرموده است؛ هم چنین در روایات و سخنان معصومین نیز واژه اعجاز و خارق العاده در توصیف قرآن رایج و مرسوم نبوده است. از نظر شهید مطهری قرآن که کلمه «آیه» را به جای معجزه برای توصیف خود برگزیده برای این است که کلمه آیه چون به معنای نشانه و دلیل محکم است مخاطب را به صدق ادعای نبوت راهنمایی و نبوت را اثبات می‌کند. (مطهری، بی تا، ج ۲۶، صص ۱۷۸-۱۷۹)

آنچه را متکلمان معجزه نامیده‌اند، قرآن کریم به عنوان بیّنه (اعراف : ۷ / ۷۳)، آیه (بقره: ۲ / ۹۹)، و برهان (قصص: ۲۸ / ۳۲) مطرح می‌کند زیرا چنان دلیل واضحی بر قدرت‌نمایی آفریدگار است که جای تردیدی در اثبات نبوت باقی نمی‌گذارد. در قرآن کریم کلمه «بیّنات» مکرر به معنی معجزات (آیات روشن الهی) به کار رفته، به عنوان مثال در آیه شریفه زیر چنین است: ﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَ رَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَ أَيْدِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَ لَكِنْ اِخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَ مِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَتَلُوا وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ﴾ (بقره: ۲ / ۲۵۳)

«برخی از آن پیامبران را بر برخی دیگر برتری بخشیدیم. از آنان کسی بود که خدا با او سخن گفت و درجات بعضی از آنان را بالا برد؛ و به عیسی پسر مریم بیّنات (دلایل آشکار) دادیم و او را به وسیله روح القدس تأیید کردیم» متکلمین در معنای اعجاز قرآن تعاریفی را بیان نموده‌اند که یکی از آن‌ها چنین است: معجزه آن است که مدعی رسالت کاری انجام دهد که از قوانین طبیعت فراتر و برتر بوده‌اند که دیگران در انجام آن ناتوان باشند. (خوئی، بی تا، ص ۳۵)

تحدی در لغت به معنای منازعه در غلبه (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۹، ص ۳۱۱) و به عبارت دیگر مبارزه طلبی است. تحدی در اصطلاح یعنی، مدعی نبوت مخالفان و منکران را به مقابله به مثل دعوت می‌کند تا اگر می‌توانند مثل آن را بیاورند (حریری، ۱۳۸۴، ص ۹۳)

صرفه در لغت به معنای رد شیء از وجه خود است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۱۸۹) همچنین برخی صرف و الصرفه که مصدر صرف است را به معنای بازگشت شیء ترجمه نموده‌اند. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۴۲) برخی نیز صرفه را به برگرداندن چیزی از حالتی به حالت دیگر و یا تبدیل به غیر حالت معنا کرده‌اند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۸۲) صرفه در اصطلاح نیز این است که خداوند اعراب را از معارضه با قرآن منصرف نموده و خرد و اندیشه آن‌ها را زدوده است. یعنی در حالی که معارضه با قرآن برای آنان مقدور بود مانع خارجی (صرفه) آنان را منع نمود، از این روی قرآن مانند سایر معجزات شد. (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۴۱) و برخی اظهار داشته‌اند خداوند در حالی که قرآن کریم در بلاغت از حد توان بشری خارج نبود اعراب را از معارضه با قرآن باز داشته و منصرف نموده است. (الزرقانی، بی تا، ج ۲، ص ۳۱۰)

نظریه صرفه تا امروز موافقان و مخالفانی داشته است. سید مرتضی از بنیان‌گذاران این نظریه و در بین علمای شیعه بنابر نظر مشهور اولین کسی است که به طور قاطع قائل به این نظریه شده است هر چند شیخ مفید استاد سید مرتضی که مانند او از بزرگ‌ترین عالمان تشیع در سده چهارم است قبل از او در یکی از دو نظرش به صرفه اشاره کرده است.

در این جا سولاتی مطرح است که با معلوم شدن پاسخ آن‌ها مرز بین مخالفت‌ها و موافقت‌ها روشن‌تر می‌شود. یک سوال این است که آیا منظور از صرفه نزد سید مرتضی همان است که علمای اهل تسنن گفته‌اند؟ این برداشت که سخن سید مرتضی همان سخن علمای اهل تسنن است موجب بروز مخالفت‌هایی با این نظریه در طول تاریخ تا امروز شده است. در حالی که در این پژوهش خواهیم دید چنین نیست. یعنی می‌توان به معنایی از صرفه رسید که محذورات مطرح شده توسط مخالفین شامل آن نباشد. پس از اذعان کلی به تفاوت آن با صرفه مطرح شده نزد علمای اهل تسنن، سوال دیگر درباره نظریه صرفه سید مرتضی این است که معنای دقیق صرفه نزد سید مرتضی چیست؟ به عبارت دیگر صرفه علم به چه معنا است؟ و برای این که به خوبی معلوم شود چرا نظریه مختار سید مرتضی، نظریه صرفه است سوال آخر این که چرا سید مرتضی سائر وجوهی که دیگران به عنوان وجوه اعجاز قرآن ذکر کرده‌اند را قبول ندارد؟ به عبارت دیگر استدلال او در رد وجوه مشهور اعجاز قرآن چیست؟

البته در این باره مقالاتی مانند «تاملی در نظریه سید مرتضی در اعجاز قرآن» تالیف سید علی اکبر ربیع نژاد و «نظریه صرفه در کتاب موضح سید مرتضی» تالیف سیده خدیجه حسینی انتشار یافته است. این دو مقاله اگر چه در جای خود ارزشمند هستند اما هیچ‌کدام محقق را از مطالب این پژوهش بی‌نیاز نمی‌کنند. مقاله اول با اعتقاد به این که استحکام قرآن درون متنی است و نیاز به حمایت برون متنی ندارد نظریه صرفه را رد کرده است. مقاله دوم نیز در تقابل کامل با مقاله اول با معرفی کتاب الموضح سید مرتضی به تثبیت نظریه صرفه او پرداخته است. مقاله مذکور با تبیین رویکرد متفاوت سید مرتضی به اعجاز قرآن و نظریه صرفه، نگاه متفاوت وی به تحدی، معارضه و معجزه را مبانی وی در پذیرش این نظریه دانسته و روش کلی وی در اثبات نظریه صرفه را استدلال‌های عقلی و رد سایر وجوه اعجاز برشمرده اما مقاله حاضر با واکاوی و تبیین کامل این نظریه از نگاه سید مرتضی به شرح آن پرداخته و در صدد رفع برداشت‌های نادرست از این نظریه است؛ برداشت‌های نادرستی که موجب مهجور ماندن این نظریه شده است.

این مقاله که مانند مقاله دوم بر آرای سید مرتضی در این زمینه متمرکز است از جهاتی با آن تفاوت دارد: اول آن که مقاله مذکور در صدد تثبیت نظریه صرفه سید مرتضی است اما این مقاله رویکرد تحلیلی نسبت به آن دارد و در صدد واکاوی و تبیین کامل و صحیح آن است؛ دوم آن که در مقاله مذکور قضاوت صورت گرفته اما در این مقاله قضاوت به مخاطب واگذار گردیده است؛ سوم آن که در مقاله مذکور فقط به کتاب الموضح سید مرتضی توجه شده در حالی که این مقاله به آثار دیگر ایشان نیز توجه کرده است؛ و چهارم این که در مقاله مذکور روش‌شناسی سید و مبانی وی دغدغه اصلی بوده اما هدف اصلی در این مقاله تحلیل خود محتوای نظریه است که نگاهی به سیر تاریخی آن نیز انداخته است. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی است.

## ۲- نگاهی اجمالی به سیر تطورات تاریخی نظریه صرفه

تا قبل از نیمه دوم سده دوم هجری قمری، واژه اعجاز در میان دانشمندان اسلامی متداول نبوده؛ و تعبیر اعجاز همان طور که بیان شد حتی در قرآن نیز به کار گرفته نشده است. در نخستین مباحث، دانشمندان مسلمان، با توجه به گفته‌های مخالفان و معارضان قرآن، سعی نموده‌اند، سلامت و عظمت قرآن را یادآوری نمایند؛ و در پایان سده دوم و آغاز سده سوم هجری قمری مباحث مربوط به معجزه به شکل رسمی مطرح و کتاب‌های مستقلی مانند کتاب مجاز القرآن از ابو عبیده معمر بن مثنی شاعر و نویسنده عراقی ارمنی اصل در سده دوم هجری قمری و کتاب معانی القرآن تألیف یحیی بن زیاد فرّاء از عالمان سده دوم و اوایل سده سوم هجری قمری در زمینه اعجاز قرآنی تدوین گردید. اصطلاح و نظریه صرفه از همین سده وارد ادبیات دانشمندان اسلامی و علوم قرآن شد و تا امروز فراز و نشیب، و موافقان و مخالفانی داشته است.

### ۲-۱- قائلان به نظریه صرفه

ابو اسحاق ابراهیم نظام عالم بزرگ معتزلی اولین کسی بود که در اوائل سده سوم هجری قمری به دنبال مباحث نظم قرآن، نظریه «صرفه» را در اعجاز قرآن مطرح نمود. (مودب، ۱۳۷۹، ص ۹) برخی از معاصرین نیز او را از مهم‌ترین قائلان به این نظریه در معتزله می‌دانند. (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۴، صص ۱۴۲-۱۴۳). همچنین برخی جاحظ را که از دیگر بزرگان این طائفه در سده سوم هجری قمری است طرفدار این نظریه دانسته‌اند. به عقیده ایشان جاحظ هر چند که به قول صرفه تصریح نکرده اما کلام وی به آن برمی‌گردد (همان، صص ۱۴۴ - ۱۴۵). البته برخی عقیده دیگری درباره وی دارند که خواهد آمد. از بزرگان اشاعره نیز ابواسحاق اسفراینی به این نظریه قائل بوده که در سده چهارم هجری قمری می‌زیسته است (همان، ص ۱۴۵). در میان عالمان شیعی نیز همان طور که گذشت افرادی همچون شیخ مفید در یکی از دو قولش (مفید، ۱۴۱۳، ص ۶۳) و سید مرتضی (شریف مرتضی، ۱۴۱۱، ص ۳۷۸) به این نظریه معتقد بوده‌اند و عالمانی مانند محقق طوسی عالم پرآوازه و ذو فنون سده هفتم هجری قمری، نیز این نظریه را محتمل دانسته‌اند. (طوسی، ۱۴۰۷، ص ۲۱۶)

### ۲-۲- اقسام سه گانه تفسیر صرفه

#### طرفداران «صرفه»، در این باره سه نظر ارائه کرده اند:

نظریه اول سلب انگیزه: خداوند، انگیزه آنان را از معارضه با قرآن، سلب نموده است با این که اسباب و زمینه معارضه فراهم بوده است. (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۳۸) برخی این تفسیر را به نظام نسبت داده‌اند (ایچی، ۱۳۲۵، ج ۸، ص ۲۴۶)

نظریه دوم سلب قدرت: با وجود انگیزه، خداوند با قهر و قدرت، آنان را از این معارضه بازداشته است. (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۳۹) برخی این نظر را به ابن حزم که عالم بزرگ سده چهارم و پنجم هجری قمری و از درخشانترین چهره‌های فرهنگ اسلامی در اندلس بوده نسبت داده‌اند (منیر سلطان، ۱۹۸۶، ص ۲۰۵) البته ظاهر کلام وی نیز همین را نشان می‌دهد. (ابن حزم، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۵۱)

نظریه سوم سلب علم: خداوند، علمی را که برای آفریدن کلامی چون قرآن مورد نیاز است؛ از آن‌ها سلب کرده است. (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۴، صص ۱۳۸-۱۳۹) و این به دو قسم قابل تصور است اول این که علوم مورد نیاز را در گذشته داشتند و هنگام تحدی قرآن از آن‌ها سلب شد و دوم این که این علوم لازم برای آوردن مثل قرآن را هرگز نداشتند. (شریف مرتضی، ۱۳۸۲، ص ۳۳)

### ۲-۳- تفسیر صحیح از قول صرفه

از بین علمای شیعه آن‌ها که صرفه را پذیرفته‌اند فقط قسم دوم از نظر سوم را پذیرفته و بقیه موارد را باطل می‌دانند که در رأس آن‌ها سید مرتضی است. (همان). دلیل بطلان نظر اول درباره صرفه، یعنی سلب انگیزه این است که اولاً در طول تاریخ افراد زیادی به مقابله با قرآن دست زدند و از مقابله صرف نظر نکردند و در این راه هیچ گونه انصرافی برایشان حاصل نشد و تمام قدرت خویش را نیز برای معارضه مبذول داشتند، لیکن به دلیل عدم قدرت کافی برای مقابله در برابر قرآن مجبور به عقب نشینی شدند. ثانیاً اگر این سخن صحیح باشد باید در کلام عرب قبل از تحدی قرآن که هنوز سلب انگیزه از انسان نشده بود کلماتی در اوج فصاحت و در طراز قرآن وجود می‌داشت و اگر وجود می‌داشت به خاطر وجود داعی و انگیزه‌های قوی به طور قطع به صورت تواتر برای ما نقل می‌شد در حالی که چنین کلامی برای ما نقل و یافت نشده است. (خوئی، بی تا، ص ۸۴)

دلیل بطلان نظر دوم یعنی سلب قدرت این است که اگر صرفه به این معناست که خداوند با این که قدرت دارد انسان را به آوردن مانند قرآن توانایی بخشد؛ ولی این قدرت را به هیچ انسانی نداده، به این معنا صحیح است ولی اختصاص به قرآن ندارد و این در تمام معجزات جاری است و اگر منظور این است مردم با این که بر معارضه با قرآن توانا هستند خداوند آن‌ها را از معارضه منصرف کرده و باز داشته است بطلان آن واضح است زیرا بسیاری از مردم دست به معارضه با قرآن زدند اما موفق نشدند و به عجز خود اعتراف کردند. (همان)

دلیل بطلان قسم اول از نظر سوم این است که اگر این قسم صحیح باشد باید بین کلام عرب و اشعارشان در زمان قبل از تحدی و بعد از تحدی فرق باشد در حالی که چنین نیست. (شریف مرتضی، ۱۳۸۲ش، ۳۳) سید مرتضی قسم دوم از نظر سوم را نص مذهب خود معرفی می‌کند و می‌فرماید تنها در این صورت است که قرآن به فصاحت خود معجزه می‌شود زیرا احدی از فصحاء عرب نه در گذشته و نه در آینده متمکن از علومی نبوده که به واسطه آن علوم بتوان مثل قرآن را آورد. (شریف مرتضی، ۱۳۸۲، ص ۳۳) در نتیجه علمای شیعه موافق نظریه صرفه، فقط آن را در قالب قسم دوم از نظر سوم که «سلب علم» است می‌پذیرند.

### ۳- اندیشه سید مرتضی در صرفه

برای پی بردن به اندیشه سید مرتضی درباره صرفه به عنوان معجزه پیامبر اکرم ص باید معنای صرفه نزد او را خوب شناخت.

### ۳-۱- معنای صرفه نزد سید مرتضی

سید مرتضی درباره صرفه در پاسخ به کسی که تحدی به قرآن را در فصاحت یا نظم در قرآن می‌داند، می‌فرماید: تحدی به قرآن نزد ما هنگامی محقق می‌شود که مثل آن هم در فصاحت و هم در نظم توأمان آورده شود و صرفه در این حالت این است که هر کس قصد معارضه با قرآن را داشته باشد خداوند علومی را که به وسیله آن می‌تواند مثل فصاحت و نظم قرآن را بیاورد از او سلب می‌کند. (شریف مرتضی، ۱۳۸۲، صص ۳۶ - ۳۷) بنابر این صرفه از نظر سید مرتضی یعنی علومی که برای آوردن مثل قرآن لازم است از دیگران سلب می‌شود. همان‌طور که بیان شد شیخ مفید نیز در یکی از دو قولش با این تعریف سید مرتضی اتفاق نظر دارد و می‌فرماید: صرفه یعنی خداوند پس از تحدی به آوردن مانند قرآن، فصیحان و بلیغانی که قادر به آوردن مانند قرآن بودند را از آن کار منصرف کرد و این دلیلی بر صدق نبوت است و این لطف خداوند، یعنی ممانعت از آوردن مانند قرآن تا روز قیامت، همچنان ادامه دارد (مفید، ۱۴۱۳، ص ۶۳)

سید مرتضی در کتاب *جمل العلم و العمل* پس از بیان دو احتمال وجه اعجاز قرآن یعنی فصاحت و صرفه، اظهار می‌دارد که وجه صحیح را در کتاب صرف (مراد کتاب الموضح است) بیان کردیم و قول مختار خویش را به آن جا حواله می‌دهد (شریف مرتضی، ۱۳۸۷، ص ۴۱) و در این کتاب به این موضوع نمی‌پردازد اما در دو کتاب دیگر قول صرفه را انتخاب می‌کند. به اعتقاد سید مرتضی صرفه یعنی افرادی که قصد معارضه با قرآن داشتند هر آن چه از علومی که آنان را قادر می‌ساخت تا مانند قرآن را در فصاحت و نظم بیاورند، خداوند از آنان سلب کرده است. (همو، ۱۳۸۲، صص ۳۵ - ۳۶) سید مرتضی در تعریف «صرفه» به صراحت به «سلب علم» از طرف خداوند اشاره کرده است و با این تصریح، تفاوت میان دیدگاه ایشان با سایر قائلین به صرفه آشکار می‌شود. آنچه از مطالب پیش گفته، به دست می‌آید این است که صرفه از نظر سید مرتضی فقط، منحصر در «صرفه علم» است در حالی که صرفه از دیدگاه نظام، «صرفه انگیزه» و از نظر ابن حزم «صرفه قدرت» دانسته شده است.

### ۳-۲- تبیین مفهوم «صرفه علم»

قرآن کریم، علاوه بر آن که تحدی می‌کند، خبر از عدم توان مقابله بشر می‌دهد و این که جن و انس اگر با هم اجتماع کنند، هرگز نمی‌توانند مانند آن را بیاورند. خود همین خبر غیبی، یکی از شواهد اعجاز قرآن کریم است، اما به چه علت بشر نمی‌تواند مانند قرآن کریم را بیاورد؟ خداوند سر عدم توانایی بشر در معارضه با قرآن را الهی بودن علوم مربوط به قرآن بیان می‌کند. قرآن به علم الهی نازل شده است و چون علم الهی برای بشر دست نیافتنی است، پس مبارزه با قرآن کریم نیز منتفی خواهد بود. علاوه بر آن که قرآن، پیش از آن که نازل شود، در مقامی برتر و بالاتر وجود داشته است و در مرتبه نزول، لباس عربیت پوشیده است و آن مکان رفیع برای کسی دست یافتنی نیست، مگر آن که از مطهران باشند قرآن در توصیف خود این گونه می‌فرماید: ﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ ﴿واقعه: ۵۶ / ۷۷-۷۹﴾ «این قرآن بسیار گرامی است و در لوح محفوظ حق است و جز دست پاکان بدان نمی‌رسد».

سید محمد حسین طباطبایی که از بزرگ‌ترین عالمان شیعه و مفسران قرآن در سده اخیر است مس قرآن را به معنای علم به آن دانسته، که آن علم در کتاب مکنون موجود است. (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۹، ص ۱۳۷) چنان که قرآن در معرفی خود، می‌فرماید: ﴿وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ﴾ ﴿زخرف: ۴۳ / ۴﴾ «و آن در أم الكتاب [لوح محفوظ] نزد ما بلند پایه و استوار است.»



خداوند خطاب به منکران و حیانی بودن قرآن می فرماید: ﴿قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ﴾ (یونس: ۱۰ / ۳۸-۳۹) « بگو: اگر راست می گوئید، یک سوره همانند آن بیاورید؛ و غیر از خدا، هر کس را می توانید (به یاری) طلبید! (ولی آنها از روی علم و دانش قرآن را انکار نکردند؛ بلکه چیزی را تکذیب کردند که آگاهی از آن نداشتند، و هنوز واقعیتش بر آنان روشن نشده است!»

در این دو آیه شریفه به دو نکته اشاره شده است؛ اول آن که از کلمه «من دون الله» استفاده می شود که قرآن کریم تنها توسط «الله» ایجاد شده است و هیچ کس، حتی پیامبر (ص) در آن تصرفی ننموده است؛ زیرا کمک خواستن از غیر خداوند، شامل تمام ماسوی الله می شود و اگر قرآن کلامی الهی نبود پس باید می شد مثل آن را آورد (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۶۴)؛ و دوم آن که از کلمه «بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه» استفاده می شود که کافران، توان مقابله با قرآن را ندارند زیرا آن ها به این علت قرآن را تکذیب کردند که احاطه به علم آن نداشتند چرا که در آن معارف حقیقی از قبیل علوم واقعی است که دست آنها از آن کوتاه است (همان، ص ۶۶) بنابر این چون علم لازم برای آوردن مثل قرآن را ندارند از مقابله و پاسخ به تحدی قرآن ناتوان هستند.

با توجه به آیات تحدی معلوم می شود که همآوردی با قرآن ناظر به کلامی است که از جنبه معارف و محتوا، هم طراز دانش و معارف قرآن باشد و از آنجا که مخاطب تحدی عموم مخلوقات (اعم از جن و انس و عرب و غیر عرب) تا ابدیت است، آنچه میان همه انسان ها مشترک است اهتمام به هدایت و بصیرت و سعادت انسان ها در همه اعصار و امصار است و این موضوع مشترک در قالب محتوا و متن قرآن منعکس شده است.

همچنین با توجه به هدف بعثت پیامبر اکرم (ص) که تکامل و تعالی بشر در جامعه در زمینه اندیشه و تفکرات انسانی است و این که قرآن منشور هدایت و گنجینه ارتقای بعد روحی و باطنی انسان‌ها است؛ تحدی از حیث محتوا و معارف قرآنی مناسب‌تر خواهد بود و تاکید بر اعجاز ادبی و لفظی به عنوان مهم‌ترین وجه اعجاز، در حقیقت تنزل بخشیدن جایگاه و منزلت اهداف قرآن در حد مقایسه با فصیحان عرب است. بر اساس ادعای خود قرآن که نزول قرآن را به عربی معرفی کرده است، (سوره زخرف: ۴۳ / ۳) الفاظ قرآن الفاظ جدیدی نبود، بلکه از همان کلمات و حروف زبان عربی سرچشمه گرفته بود. یعنی از حروف و کلماتی که مردم عرب، در گفتگوهایشان از آن الفاظ بهره برده و از حروف و کلمات متداول عرب‌ها استفاده شده بود. محتوای آموزه‌های قرآن سرشار از امتیازات ارزشمند و والایی است که آوردن مثل این محتوا و متن از توان بشر عادی خارج است؛ تعبیر «ذلک الکتاب» دقیقاً ناظر به این مقام والای قرآن اشاره دارد. این تعبیر در مقابل مقام تنزیلی یعنی «هذا الکتاب» است و خداوند علوم مربوط به چنین محتوایی را تنها در اختیار انسان‌های بر گزیده ای قرار داده که استعداد و قابلیت دریافت این محتوا را دارند. بر اساس آیه ۷۹ سوره واقعه، دریافت و درک معارف خاص و حیانی، شرایطی را می‌طلبد که انسان‌های عادی قدرت درک و دریافت آن رسالت را ندارند.

قرآن پژوهان بر این نکته اتفاق نظر دارند که متن کلام الهی دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که هیچ متنی واجد این امتیازات نیست، برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از: فصاحت و بلاغت بی نظیر؛ اسلوب بدیع و سبک جدید در کلام عرب (نه نثر و نه نظم)؛ نغمه، لحن و موسیقی خاص کلمات؛ تبیین فلسفه آفرینش؛ قوانین شرعی متین و حکیمانه موافق با عقل و فطرت؛ براهین قاطع و دلایل روشن؛ اخبار غیبی؛ اسرار علمی؛ عدم تناقض و اختلاف در طول بیست و سه سال نزول آن (معرفت، ۱۴۱۵، صص ۲۸ - ۳۰)؛ نامحدود بودن معارف قرآن؛ که برخی علمای معاصر در تحلیل این امر معتقد است از آنجا که هر اثر، نمایشی از دارایی مؤثر خود است، قرآن نیز نمودی از وجود مطلق غیر متناهی و دریای بی‌کران علم خداوند است؛ بنابراین معارف آن خارج از حد و احصاء است (حسن زاده آملی، ۱۳۸۱، ص ۸) امی بودن پیامبر اکرم (ص) به عنوان دریافت کننده وحی؛ جامعیت قرآن؛ شرح و تفسیر برخی آیات نسبت به یکدیگر؛ مخاطب قرار دادن همه سطوح و اقشار بشر؛ و حقانیت سراسر قرآن. در حقیقت دیدگاه «صرفه علم» از جانب سید مرتضی اشاره به این ویژگی‌های ذاتی قرآن دارد که نه تنها منجر به نقص و کاستی در قرآن نمی‌شود، بلکه این وجه اعجاز قرآن، بیانگر عظمت والای قرآن است که با وجود چنین ویژگی‌هایی هرگز معارضان توان تحدی با قرآن را نخواهند داشت.

معصومین (ع) در ضمن توصیفاتشان از قرآن، بر تحدی قرآن از جنبه محتوای هدایت‌گرانه و متن حکمت آمیز آن تاکید نموده‌اند. در روایتی نقل شده ابن سکیت از امام رضا (ع) پرسید: چرا خداوند پیامبر اکرم (ص) را با «کلام و خطب» مبعوث فرمود؟ حضرت فرمود: خداوند حضرت محمد(ص) را زمانی بر انگیخت که اهل روزگار بر خطب و کلام چیره بودند، پس آن حضرت از جانب خدا «موعظه و حکمت» آورد که سخن ایشان را باطل نموده و حجت را بر آنان تمام کرد. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۲۴ - ۲۵) بر اساس روایت فوق، به رغم آن که در زمان بعثت، مباحث ادبی مانند شعر و خطبه متداول بود، ولی قرآن با ماهیت هدایت‌گرانه و حکمت آموز بر پیامبر (ص) نازل شد و این بدین معنا است که تحدی بیش از آن که به جنبه بلاغت و فصاحت قرآن اختصاص داشته باشد به جنبه متن و محتوای قرآن توجه داشته است. البته سید مرتضی نیز ضمن پذیرش «صرفه علم» به عنوان وجه اصلی اعجاز قرآن، به اوج فصاحت و بلاغت قرآن، اذعان دارد.

### ۳-۳- دلایلی بر تایید قول صرفه

بر اساس آن چه گفته شد، نظریه صرفه دامنه اعجاز قرآن را گسترش داده و موافقان آن معتقدند قرآن دارای علمی است که دست قدرت بشر از رسیدن به آن کوتاه است و این علوم در انحصار خداوند است و از این رو هیچ مخلوقی اعم از جن و انس توان مقابله با قرآن را ندارد. دلایل زیر از جمله دلایلی است که این دیدگاه را تایید می نماید.

دلیل اول استناد به برخی از آیات است. منکران رسالت حضرت ختمی مرتبت دو دسته بودند. کفار و مشرکین اصل نبوت را قبول نداشتند اما یهودی‌ها دنبال بهانه‌ای می‌گشتند تا خود را از تبعیت پیامبر اکرم (ص) رها کنند. خداوند در برابر اینان می‌فرماید: ﴿قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (قصص: ۲۸ / ۴۹) بگو: «اگر راست می‌گویید (که تورات و قرآن از سوی خدا نیست)، کتابی هدایت‌بخش‌تر از این دو از نزد خدا بیاورید، تا من از آن پیروی کنم!»

برخی مفسرین معاصر معتقدند که این آیه شریفه تصریح در تحدی به محتوای قرآن دارد نه در فصاحت و بلاغت؛ زیرا از طرفی آن چه موجب هدایت است محتوا و معارف کتاب است و از طرف دیگر عده زیادی از یهودیان به زبان عربی آشنا نبودند تا از آن‌ها خواسته شود مثل قرآن را بیاورند. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۳۸)

خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿قُلْ لَّيْنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً﴾ (اسراء: ۱۷ / ۸۸) «بگو: اگر انسانها و پریان (جن و انس) اتفاق کنند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد؛ هر چند یکدیگر را(در این کار) کمک کنند.»

سید محمدحسین طباطبایی ذیل آیه فوق می‌نویسد: در این آیه به روشنی و صراحت، تحدّی شده و ظهور در این دارد که به تمامی خصوصیات قرآن و صفات کمالی - که از نظر لفظ و معنا دارد - تحدّی شده، نه تنها به فصاحت و بلاغت لفظ آن، زیرا اگر منظور، معجزه بودن لفظ آن بود، دیگر معنا نداشت که همه جنّ و انس را دخالت دهد، بلکه باید می‌فرمود: اگر همه عرب جمع شوند، نمی‌توانند مثل آن بیاورند. علاوه بر این، ظاهر آیه می‌رساند که تحدّی یاد شده، مدّت معینی ندارد، به شهادت این که می‌بینیم در این عصر هم که اثری از فصحا و بلغای آن روز عرب نمانده، قرآن بر اعجاز باقی مانده و با بانگ بلند، فراخوان تحدّی می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۳، ص ۲۰۱).

دلیل دوم استدلالی منطقی است که با کمک مقدمات بدیهی صورت می‌پذیرد. سید مرتضی برای اثبات صرفه می‌گوید قرآن یا از افعال اختصاصی خداست و هیچ کس غیر از او قدرت بر آوردن مثل آن را ندارد که این خود معجزه مهمی است، یا آنکه از افعال اختصاصی خدا نبوده و دیگران قادر بر آوردن مثل آن هستند؛ ولی خداوند آنان را از آوردن مثل آن، بازداشته که در این صورت «صرفه» نیز خود یکی از معجزات الهی است. ایشان قسم اول را به این صورت ابطال می‌کند که فرق خفی بین بعض قرآن با آن چه از فصحاء عرب صادر شده خارق العاده و معجزه بودن قرآن را رد می‌کند؛ با ابطال قسم اول، به طور طبیعی قسم دوم یعنی صرفه اثبات می‌شود. (شریف مرتضی، ۱۳۸۲، ص ۶۱)

#### ۴- اندیشه سید مرتضی در سایر وجوه اعجاز قرآن

سید مرتضی وجوه مختلفی را برای اعجاز قرآن، در کتاب‌هایش ذکر و مورد بررسی قرار داده است.

##### ۴-۱- فصاحت قرآن

سید مرتضی با این که در آثارشان بر اوج تعالی سطح فصاحت قرآن تصریح نموده است؛ اما فصاحت را وجه اعجاز قرآن ندانسته است. ایشان در پاسخ به کسانی که قائلین به صرفه را منکر فصاحت قرآن می‌دانند معتقد است اعتراف به برتری قرآن در فصاحت، ردّ سخن کسی است که منکر فصاحت قرآن باشد، اما برای کسانی که ضمن قبول داشتن فصاحت قرآن، آن را معجزه نمی‌دانند، ردی به حساب نمی‌آید. (شریف مرتضی، ۱۳۸۲، ص ۲۶۰) به اعتقاد سید مرتضی اگر تفاوت آشکاری میان جملات فصیحان عرب تنها با سه آیه کوتاه، در میان شش هزار و اندی آیه قرآن، نباشد؛ خود دلیل بر عدم معجزه بودن فصاحت آن سه آیه از قرآن است، اگرچه سایر آیات قرآن از فصاحتی معجزه گونه بر خوردار باشد؛ (شریف مرتضی، ۱۳۸۲، صص ۳۶ - ۳۷) در حالی که همه آیات قرآن معجزه است وجه تائید این سخن از سید مرتضی، اعتراف دانشمندان اسلامی بر تسلط ایشان بر نظم و نثر ادبیات جاهلی و اسلامی است.

سید مرتضی در ارائه نظریه صرفه معتقد است که تحدی با قرآن، در فصاحت و نظم هم‌زمان بوده است، زیرا اگر تحدی در نظم به تنهایی یا در فصاحت جداگانه، منحصر می‌شد؛ برای معارضان مقابله با شعر فصیح و کلام بلیغ ممکن بود زیرا تفاوت اندک میان بعضی آیات از سوره‌های کوتاه و کلام برخی فصیحان عرب سبب زوال اعجاز می‌شد حال آن که می‌دانیم هیچ‌گاه معاندان دست به معارضه با قرآن نزدند؛ زیرا می‌دانستند تحدی با فصاحت و نظم قرآن توامان بوده است و هیچ‌یک از ایشان در پاسخ به تحدی موفق نشدند. (شریف مرتضی، ۱۴۱۱، صص ۳۸۰-۳۸۱) با تامل در اندیشه سید مرتضی در بیان جایگاه فصاحت و بلاغت و نظم ادبی قرآن، واضح است که ایشان هرگز منکر اعتلای این وجه قرآن نبوده‌اند، ولی از آنجا که به اعتقاد ایشان، معجزه باید در زمان تحدی قابل اثبات باشد؛ و از طرف دیگر پیام تحدی همیشگی است، جنبه اعجاز ادبی و بلاغی قرآن برای همه مخاطبان تحدی در همه زمان‌ها قابل اثبات نیست.

#### ۴-۲- نظم قرآن

سید مرتضی ضمن ارج نهادن به فصاحت، بلاغت و نظم قرآن مجید، اما نظم قرآن را از وجوه اعجاز قرآن نمی‌داند؛ چون ایشان معتقدند در نظم تفاضل و برتری معنا ندارد و نمی‌توان در مقایسه دو اثر، نظم یکی را از دیگری متمایز ساخت؛ لذا دو شعر ممکن است با وجود فصاحت و غنای محتوایی در یکی از آن‌ها و سخیف بودن و بی‌ارزشی از نظر معنا در شعر دیگر، باز هم از جهت نظم با هم مشترک باشند. (شریف مرتضی، ۱۳۸۲، صص ۴۲ - ۴۳) بنابر این سید مرتضی نظم را از اصل معجزه نمی‌داند با این حال برای رد سخن کسانی که نظم قرآن را از وجوه اعجاز قرآن می‌دانند؛ می‌گوید چون هر کس که به زبان عربی می‌تواند صحبت کند و قادر به تقدیم و تاخیر در سخن است می‌تواند جملاتی منظم مانند نظم به کار رفته در قرآن بیاورد در حالی که جملاتش نه دارای فصاحت است و نه فایده و معنایی بر آن مترتب است؛ پس نظم قرآن وجه اعجاز آن نیست. (همان، ص ۴۶)

## ۴-۳- اخبار غیبی

سید مرتضی اگر چه اخبار غیبی را یکی از وجوه اعجاز قرآن می‌داند اما اعجاز قرآن در اخبار غیبی را به چند دلیل رد می‌کند. اول آن که لازمه آن این است بسیاری از آیات قرآن معجزه نباشند زیرا عاری از اخبار غیبی هستند در حالی که همه قرآن معجزه است؛ دوم آن که تحدی به اخبار غیبی خارج از عرف آن زمان بوده در حالی که تحدی باید به امور مانوس باشد؛ و سوم آن که اخبار غیبی به دو دسته گذشته و آینده تقسیم می‌شوند درباره اخبار گذشته چون میان مردم شایع بوده ممکن است مخالفین بگویند از طریق تاریخ به ما رسیده؛ پس اخبار غیبی محسوب نمی‌شود؛ و در مورد اخبار آینده نیز، قبل از وقوع فرقی بین صدق و کذب نیست و اعجاز ثابت نمی‌شود در حالی که وجه اعجاز باید در زمان مخاطب ثابت شده باشد. (شریف مرتضی، ۱۳۸۲، صص ۱۱۷ - ۱۱۸)

## ۴-۴- عدم تناقض و اختلاف در قرآن

سید مرتضی (با وجود نزول تدریجی قرآن در بیست و سه سال) اگر چه عدم اختلاف و تناقض را امتیازی بزرگ برای قرآن می‌داند، ولی اعجاز قرآن در این وجه را نمی‌پذیرد و بر این امر دو دلیل می‌آورد: اول این که سطح تشخیص مردم، نسبت به شناخت وجود اختلاف و عدم اختلاف در متن یکسان نیست پس نمی‌توان به طور صحیح به اختلاف و تناقض رسید (شریف مرتضی، ۱۳۸۲، صص ۱۲۴ - ۱۲۵)؛ و دوم این که هماهنگی و عدم اختلاف در کلام پیامبر اکرم (ص) نیز حاصل و در اخبار ایشان واجب است با این که کلام ایشان لازم نیست معجزه باشد (همان، ص ۱۲۷)؛ البته به نظر نگارنده دلیل اول ایشان مردود است زیرا وقتی هیچ نوع اختلاف و تناقضی در قرآن یافت نمی‌شود نوبت به تفاوت در سطح تشخیص مردم نسبت به شناخت اختلاف و عدم آن نمی‌رسد زیرا در پایین‌ترین سطح نیز اختلافی کشف نمی‌شود؛ اما دلیل دوم به نظر صحیح می‌رسد هر چند که در این مورد نیز به نظر نگارنده سخن کامل نیست زیرا غیر از سخنان پیامبر اکرم (ص)، برای عدم اختلاف و تناقض در کلام، مصادیق دیگر نیز مانند کلام ائمه اطهار ع می‌توان یافت؛ و در هر صورت سید مرتضی با رد اعجاز از نظر عدم اختلاف و تناقض در قرآن، تحدی را در این زمینه جاری نمی‌داند.

## نتیجه گیری

بر خلاف دیدگاه نظام معتزلی که صرفه را به «سلب اراده» و ابن حزم که صرفه را به «سلب قدرت» تفسیر کرده اند؛ سید مرتضی صرفه را به معنای «سلب علم» تفسیر کرده است.

از آنجا که برخی علوم مربوط به قرآن در انحصار خداوند است؛ و بشر با وجود محدودیت قدرت و کاستی‌های توانش، در دریافت علوم انحصاری خداوند محدودیت وجودی دارد؛ قادر به آوردن مثل قرآن نیست و صرفه نیز چیزی جز این نیست.

برخی در تحلیل صرفه و انتسابش به سید مرتضی بر این گمانند که ایشان امتیاز قرآن را تنها در همین عامل جسته و صرفه را در تضاد با دیگر ویژگی‌های قرآن بر می‌شمارد در حالی که صرفه مورد قبول سید مرتضی به این معناست که خداوند، علوم مورد نیاز بشر برای معارضه و هم‌آوردی با قرآن را در اختیار بشر قرار نداده است و این نوع از صرفه، هیچ تضادی با دیگر امتیازات قرآن ندارد البته آن‌ها را وجه اعجاز قرآن نمی‌داند.

به اعتقاد سید مرتضی اگر تفاوت آشکاری میان جملات فصیحان عرب تنها با سه آیه کوتاه، در میان شش هزار و اندی آیه قرآن، نباشد؛ خود دلیل بر عدم معجزه بودن فصاحت آن سه آیه از قرآن است، اگر چه سایر آیات قرآن از فصاحتی معجزه‌گونه بر خوردار باشد در حالی که همه قرآن معجزه است.

سید مرتضی معتقد است چون هر کس که به زبان عربی می‌تواند صحبت کند و قادر به تقدیم و تاخیر در سخن است می‌تواند جملاتی منظم مانند نظم به کار رفته در قرآن بیاورد هرچند جملاتش دارای فصاحت و نیز فایده و معنایی نباشد؛ پس نظم قرآن وجه اعجاز آن نیست. ایشان اخبار غیبی قرآن را نیز وجه اعجاز قرآن نمی‌داند، به این سبب که بسیاری از آیات قرآن عاری از اخبار غیبی است.

به اعتقاد او عدم اختلاف در قرآن نیز وجه اعجاز قرآن نیست زیرا این هماهنگی و عدم اختلاف در کلام پیامبر (ص) هم وجود دارد در حالی که کلام آن حضرت معجزه نیست. بر اساس باور سید مرتضی، اعجاز قرآن باید به گونه‌ای باشد که همه افراد معاند از ابتدای خطاب تحدی تا کنون، طعم عجز و ناتوانی خود را در برابر قرآن بچشند، نه یک گروه خاص. پس صرفه، تنها وجه اعجاز قرآن است که از آغاز تا کنون همه معاندان و مخالفان قرآن بدان معترفند.

## منابع

- ≠ قرآن مجید؛ ترجمه ناصر مکارم شیرازی
- ≠ ابن حزم اندلسی، علی بن محمد؛ الفصل فی الملل و الأهواء و النحل؛ تعلیق احمد شمس الدین، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۶ ق
- ≠ ابن فارس، احمد بن فارس؛ معجم مقائیس اللغة؛ محقق/ مصحح عبد السلام محمد هارون، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ ق
- ≠ ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ محقق/ مصحح احمد فارس صاحب الجوائب، چاپ سوم، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع- دار صادر، ۱۴۱۴ ق
- ≠ ایجی، عبدالرحمان بن احمد؛ المواقف؛ شارح میر سید شریف، چاپ اول، قم: ناشر الشریف الرضی، ۱۳۲۵ ق
- ≠ تهانوی، محمد علی؛ موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم؛ مترجم عبد الله خالدي، محقق علی فرید درجوج، چاپ اول، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۶ م
- ≠ جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیرموضوعی قرآن : قرآن در قرآن؛ چاپ دوم، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸ ش
- ≠ حریری، محمد یوسف؛ فرهنگ اصطلاحات قرآنی؛ چاپ دوم، قم: ناشر هجرت، ۱۳۸۴ ش
- ≠ حسن زاده آملی، حسن؛ انسان و قرآن؛ چاپ دوم، قم: ناشر قیام، ۱۳۸۱ ش
- ≠ خوئی، سید ابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن؛ چاپ اول، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۳۰ ق
- ≠ راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ محقق/ مصحح صفوان عدنان داودی، چاپ اول، لبنان- سوریه: دار العلم- الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق
- ≠ زرقانی، محمد؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن، بی جا: دار احیاء التراث العربی، بی تا
- ≠ سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر؛ الإیتقان فی علوم القرآن؛ چاپ دوم، بیروت: ناشر دار الکتب العربی، ۱۴۲۱ ق
- ≠ شریف مرتضی، علی بن حسین؛ الذخیره؛ محقق سید احمد حسینی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۱ ق
- ≠ شریف مرتضی، علی بن حسین؛ الموضح عن جهه إعجاز القرآن؛ چاپ اول، مشهد: ناشر آستان قدس، ۱۳۸۲ ش
- ≠ شریف مرتضی، علی بن حسین؛ جمل العلم و العمل؛ چاپ اول، نجف: مطبعه الآداب، ۱۳۸۷ ق
- ≠ طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چاپ دوم، قم: ناشر اسماعیلیان، ۱۳۷۱ ش



- ≠ طوسی، خواجه نصیر الدین؛ تجرید الاعتقاد؛ محقق حسینی جلالی، چاپ ششم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۷ ق
- ≠ فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ محقق / مصحح دکتر مهدی مخزومی / دکتر ابراهیم سامرائی، چاپ دوم، قم: نشر هجرت، ۱۴۱۰ ق
- ≠ کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی ط- الإسلامیة؛ محقق / مصحح علی اکبر غفاری / محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق
- ≠ مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار استاد شهید مطهری؛ آشنایی با قرآن، تهران: انتشارات صدرا، بی تا
- ≠ معرفت، محمدهادی؛ التمهید فی علوم القرآن؛ چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق
- ≠ مفید، محمد بن محمد؛ أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات؛ چاپ اول، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق
- ≠ منیر سلطان؛ إعجاز القرآن بین المعتزلة و الأشاعرة؛ چاپ سوم، اسکندریه: ناشر منشأة المعارف، ۱۹۸۶ م
- ≠ مؤدب، سید رضا؛ اعجاز القرآن در نظر اهل بیت عصمت ع و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام؛ چاپ اول، قم: احسن الحدیث، ۱۳۷۹ ش
- ≠ واسطی زبیدی، سید محمد؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ محقق و مصحح علی شیری، چاپ اول، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق